

خلاصه کتاب

مثل یک دانشمند موشکی فکر کن

راهکارهای ساده برای جهش‌های بزرگ در کار و زندگی

نویسنده: اوزان وارول

خلاصه شده توسط: هانیه مجیدی

تهیه شده توسط تیم آموزشی رایینز



در سپتامبر سال ۱۹۶۲ که جان اف کندی قول داد کاری کند که بشر بر کره ماه فرود بیاید، هنوز بسیاری از وسایل فنی مورد نیاز برای سفر به ماه ساخته نشده بود و هیچ اطلاعاتی درباره اینکه چطور این کار را انجام بدهند نداشتند. اما کمتر از ۷ سال بعد نیل آرمسترانگ این کار را انجام داد. این پیروزی مدیون روند فکری است که دانشمندان صنعت هوافضا به کمک آن غیر ممکن‌ها را ممکن می‌سازند. فکر کردن مانند دانشمند موشکی یعنی سعی کنیم از دیدی متفاوت به جهان نگاه کنیم. این دانشمندان هر چیز غیر قابل تصویری را ممکن می‌دانند و مسائل حل نشدنی را حل می‌کنند. آنها شکست‌ها را به موفقیت و محدودیت‌ها را به مزیت تبدیل می‌کنند. در این دوران فکر کردن مثل یک دانشمند موشکی ضروری است چرا که جهان با سرعت سرسام‌آوری در حال حرکت است و ما هم باید سریع قدم برداریم تا از آن عقب نمانیم. با خواندن این کتاب دانشمند موشکی نمی‌شوید ولی یاد می‌گیرید مثل یک دانشمند موشکی فکر کنید.

مرحله اول: راه اندازی

فصل اول پرواز علی رغم عدم اطمینان

بشر از هر چیز نامطمئن می‌ترسد. پیشینیان ما اگر از چیزهای ناشناخته نمی‌ترسیدند، غذای ببرها می‌شدند اما آنهایی که ترسیدند و مراقب جانشان بودند، زنده ماندند و توانستند ژن‌هایشان را به ما منتقل کنند. ما در جهان مدرن در مکان‌های نامطمئن در پی کسب اطمینان هستیم و در دل هرج و مرج به دنبال نظم می‌گردیم و سعی می‌کنیم از دل ابهام پاسخ را به دست بیاوریم. آنقدر در پی یقین و اطمینان هستیم که هر راه حلی ایمن‌تر باشد بیشتر به دلمان می‌نشیند و به جای اینکه در مسیرهای تاریک و پر خطر قدم بگذاریم در همان وضعی که هستیم، باقی می‌مانیم و برایمان مهم نیست وضعمان چقدر بد است. مثلاً بازاریاب‌ها همیشه از همان روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند اما انتظار دارند نتیجه متفاوتی به دست بیاورند. اما فقط وقتی از پاسخ‌های مطمئن فاصله بگیریم، پیشرفت‌های بزرگی در زندگیمان رخ می‌دهد. اگر فقط به کار روی چیزهایی که بلدیم و می‌شناسیم مشغول باشیم هیچ اتفاق غیر منتظری در زندگیمان نمی‌افتد.

مدرسه‌ها این تصور غلط را در ذهن ما ایجاد می‌کنند که دانشمندان همیشه مسیر مستقیمی را پیموده‌اند. کتاب‌های درسی فقط اکتشافات را به دانش آموزان یاد می‌دهند ولی نمی‌گویند دانشمندان چه مسیرهایی را رفتند و سرگردان شدند، چه سرنخ‌های نادرستی را دنبال کردند و در ابتدای راه چه تصورات غلطی داشتند. شما هم اگر دنبال راه همواری می‌گردید که طی کنید و پاسخ‌های درست را پیدا کنید، باید فکرتان را عوض کنید. ما باید بتوانیم از چیزهایی که نمی‌دانیم حداکثر بهره را ببریم. نباید در پی پاسخ‌های سریع و آماده باشیم بلکه باید سوالات آزاردهنده را یکی یکی برای خود مطرح و آنها را حل کنیم. درست همان جایی که اطمینان تمام می‌شود پیشرفت شروع می‌شود.

معلومات ناشناخته حالتی است که فکر می‌کنیم از دانسته‌هایمان باخبریم اما نیستیم. فکر می‌کنیم حقیقت را به دست آورده‌ایم اما اینطور نیست. این وضعیت بیشتر از آنچه تصور کنیم برای ما رخ می‌دهد. بسیاری از چیزهایی که ما فکر می‌کنیم می‌دانیم، اصلاً درست نیستند و در بهترین وضعیت اطلاعات غلط هستند. همانطور که گفته‌اند

بزرگترین مانع کشف حقیقت در طول تاریخ نادانی نبوده بلکه توهم دانایی بوده است. اعتراف به نادانی این معناست که فرد از بی‌اطلاعی خود آگاه است و می‌داند چه چیزهایی را نمی‌داند و باید سعی کند قدم در مسیر یادگیری بگذارد و آگاهی خود را رشد دهد. ممکن است در این مسیر با مشکلاتی روبرو شویم اما بهتر است از جهل خود باخبر باشیم و مشکلات را تحمل کنیم. تا اینکه در جهل خود غوطه بخوریم و آرامش داشته باشیم.

انسان‌های آگاه به جهل، متخصصان تردید هستند و جهان را متحول می‌کنند. آنها می‌دانند بهترین راه برای رسیدن به نور این نیست که به هر روشی تاریکی جهل را از خود دور کنیم، بلکه باید شجاعانه با تاریکی مواجه شویم تا بتوانیم واقعاً آن را بزدااییم.

ترس زمانی به وجود می‌آید که نمی‌دانیم چه انتظاری باید داشته باشیم و کنترلی بر وضعیت نداریم. در همین راستا قبل از اینکه بتوانید ترس‌های خود را بزداایید، باید ابتدا نامشان را بدانید. برای این کار باید کاغذ و مدادی بردارید و به صورت مکتوب ترس‌هایتان را نامگذاری کنید. از خودتان بپرسید بدترین اتفاقی که می‌تواند بیفتد چیست و بر اساس چیزهایی که می‌دانید چقدر احتمال دارد آن اتفاق بیفتد؟ وقتی مجهولات ناشناخته را به مجهولات شناخته شده تبدیل می‌کنید، می‌توانید آنها را برای خود حل کنید. وقتی بدترین اتفاقات ممکن را در نظر گرفتید به اتفاقات خوبی که می‌تواند بیفتد نیز فکر کنید. در غیر این صورت ذهن ما به صورت خودکار جلوی تحرک و عمل را می‌گیرد. چون بی‌عملی امن‌ترین گزینه ممکن است. اما قدم برداشتن، خود یک قدم غلط است.

بعد از اینکه تشخیص دادید مسئله اصلی چیست و چه چیزهایی ارزش نگران شدن دارند، می‌توانید دو ابزار مهم زیر که دانشمندان موشک استفاده می‌کنند، را به کار ببرید. تکرار و حاشیه امن

تکرار

تکرار در علوم هوافضا نه تنها منفی نیست بلکه تعیین کننده موفقیت، شکست، مرگ و زندگی است. تکرار در این علم به معنای نسخه‌های پشتیبانی برای جلوگیری از بروز نقض‌هاست تا ماموریت‌ها تا جایی که ممکن است لغو نشوند و شکست نخورند. مثلاً موشک شاهین ۹ موتور دارد که جدا از هم هستند و به ترتیبی کار می‌کنند که اگر یکی از موتورها از کار افتاد، فضاپیما باز هم بتواند ماموریت خود را انجام دهد. البته تکرار بیش از حد می‌تواند به جای بهبود کار ما را خراب کند و به جای حل مشکل، ایجاد مشکل کند. مثلاً در هواپیما بوئینگ اگر موتوره‌ای متعددی بگذارند و آنها به درستی از هم جدا نشوند، خرابی و انفجار یکی از موتورها می‌تواند موتوره‌ای دیگر را به خطر بیندازد. بنابراین در آن به جای چهار موتور فقط دو موتور قرار دادند تا از بروز انواع مشکلات جلوگیری کنند. فکر می‌کنید در زندگی شما کجا به سیستم‌های تکرار و پشتیبانی نیاز است؟

حاشیه امن